

شناسایی موانع غیر تعرفه‌ای و محاسبه معادل تعرفه‌ای آن در بخش کشاورزی ایران^۱

دکتر اکبر کمیجانی، دکتر رضا مقدسی، دکتر امید گیلانپور،

دکتر کیومرث نوری*

چکیده

موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات ۱۹۹۴) و تشکیل سازمان جهانی تجارت (WTO)، قوانین و مقررات جدیدی را بر تجارت بین‌الملل حاکم کرده‌است. به طوری که امروزه همه کشورها به طور مستقیم و غیرمستقیم از قوانین و عملکرد این سازمان متأثرند. یکی از مهمترین مسائل مطرح در گات ۹۴، موافقتنامه کشاورزی است که خود به سه بخش کلی حمایت

۱. این مقاله برگرفته از نتایج طرح پژوهشی مقررات دسترسی به بازار محصولات کشاورزی در موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت و آثار آن بر اقتصاد کشاورزی ایران است که به سفارش مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی در معاونت پژوهشی دانشگاه تهران انجام شده‌است.

* به ترتیب دانشیار اقتصاد دانشگاه تهران، محققان مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی و عضو هیئت علمی سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی.

داخلی، دسترسی به بازار و یارانه صادراتی تقسیم شده است.

در این مقاله بخش دسترسی به بازار این موافقتنامه مورد توجه قرار گرفته و پس از شناسایی موانع غیر تعرفه‌ای اعمال شده بر محصولات منتخب کشاورزی کشور، معادل تعرفه‌ای آنها براساس مطالعات گات (۱۹۹۳)، سامنر (۱۹۹۲) و اینگکو (۱۹۹۶) و صندوق بین‌المللی پول (۱۹۹۶) محاسبه شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که معادل تعرفه‌ای موانع مورد استفاده در نظام تجارت خارجی محصولات منتخب (به رغم تعدد موارد آن) منفی بوده و لذا این موانع در جهت حمایت از تولید داخل عمل نکرده است.

کلید واژه‌ها:

سازمان جهانی تجارت، موافقتنامه کشاورزی، دسترسی به بازار، معادل تعرفه‌ای.

مقدمه

موافقتنامه نهایی تعرفه و تجارت (گات ۹۴) در آوریل ۱۹۹۴ و تشکیل سازمان جهانی تجارت، قوانین و مقررات جدیدی را بر تجارت بین‌المللی حاکم کرده است. با توجه به گستردگی حوزه‌های مشمول موافقتنامه و اقدام کشورهای امضاکننده معاهده، طبیعی است که از این پس همه کشورها برای حضور در عرصه تجارت بین‌الملل، ناگزیرند از این قوانین پیروی کنند. در شرایطی که سازوکار بازار در بازار بین‌المللی محصولات کشاورزی، به دلیل استفاده بسیار گسترده کشورهای توسعه یافته از روشهای مختلف حمایتی، به شدت مختل شده است، موافقتنامه کشاورزی را می‌توان یکی از مهمترین و جالبترین مسائل مطرح در گات ۹۴ دانست. زیرا در این موافقتنامه برای نخستین بار نه تنها به سیاستهای مرزی کشورهای متعاقد پرداخته شده، بلکه سیاستهای حمایتی داخلی نیز مورد توجه قرار گرفته است. مسائل مربوط به تجارت محصولات کشاورزی در موافقتنامه به سه حوزه دسترسی به بازار، حمایت داخلی و یارانه صادراتی تقسیم شده است.

براساس توافق انجام گرفته در حوزه حمایت داخلی، مقرر شده است که کشورهای توسعه

یافته طی دوره‌ای ۶ ساله منتهی به سال ۲۰۰۰ میلادی، مجموع حمایت‌های داخلی را از بخش کشاورزی خود ۲۰ درصد کاهش دهند. به منظور کمک به کشورهای در حال توسعه، این تعهدات کاهشی می‌باید طی دوره‌ای ده ساله و به میزان $13/4$ درصد صورت گیرد. در حوزه یارانه‌های صادراتی نیز کشورهای متعاقد موظف‌اند حجم صادرات برخوردار از یارانه و کل هزینه یارانه صادراتی خود را کاهش دهند. حوزه دسترسی به بازار، که سیاست‌های مرزی کشورهای متعاقد را تحت پوشش قرار می‌دهد، خود شامل سه تعهد است: تعرفه‌ای کردن موانع تجاری، کاهش تعرفه و حداقل فرصت‌های دسترسی به بازار.

در بخش‌های بعدی مقاله ابتدا مفهوم دسترسی به بازار هر چند به اجمال ولی با تفصیل بیشتر مورد بررسی قرار می‌گیرد، پس از آن به شناسایی و تبیین موانع غیر تعرفه‌ای اعمال شده بر واردات محصولات کشاورزی در ایران پرداخته می‌شود. مروری بر سابقه مطالعاتی مرتبط، بخش دیگر این مقاله را تشکیل می‌دهد. در ادامه نتایج حاصل از محاسبه معادل تعرفه‌ای و موانع غیر تعرفه‌ای مورد شناسایی قرار می‌گیرد و در پایان هم جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

مفهوم شناسایی

موفقیت دور کندی^۱ در کاهش موانع تعرفه‌ای سبب شد تا کشورهای توسعه یافته طی واکنشی در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ قرن بیستم میلادی، ساختار موانع مرزی خود را براساس موانع غیر تعرفه‌ای بازسازی کنند. بدین ترتیب ساختار حمایت مرزی در کشورهای توسعه یافته و به تبع آنها کشورهای در حال توسعه، به ترکیب پیچیده‌ای از موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای تبدیل شد. گستردگی رو به افزایش استفاده از این موانع در تجارت بین‌المللی محصولات کشاورزی سبب شده است که بخشی از موافقتنامه کشاورزی به موانع غیر تعرفه‌ای اختصاص یابد. (ماده ۴، ضمیمه ۵ و پیوست ضمیمه ۵ راهنمای تجاری دواروگوئه، ۳۰۹).

در حوزه دسترسی به بازار، سه موضوع تعرفه‌ای کردن موانع غیر تعرفه‌ای، کاهش معادل

1. Kennedy Round

تعرفه‌ای در یک دوره زمانی مشخص و ایجاد تضمین مناسب برای حداقل دسترسی، مورد توجه قرار گرفته است. در این حوزه، اعضای متعهد موظف شده‌اند نخست کلیه اقدامات غیر تعرفه‌ای خود را اعم از محدودیتهای کمی واردات، مالیاتهای متغیر وارداتی، حداقل قیمت‌های وارداتی، اعطای مجوز وارداتی احتیاطی، ادامه اقدامات غیرتعرفه‌ای از طریق شرکتهای تجاری دولتی، محدودیتهای داوطلبانه صادراتی^۵ و سایر اقدامات به عمل آمده در مرزها را به غیر از عوارض گمرکی، به تعرفه تبدیل کنند، آنگاه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در تعهد مربوط به کاهش تعرفه‌های خود معادل تعرفه‌ای محاسبه شده را به ترتیب طی دوره‌های ۶ و ۱۰ ساله به میزان ۳۶ و ۲۴ درصد کاهش دهند. به منظور جلوگیری از ایجاد موانع جدید بر سر راه گسترش تجارت، اعضا موظفند در چارچوب تعهد دسترسی به بازار، حداقل موقعیت دسترسی به بازار را در سطح فعلی حفظ کنند. در مورد محصولات که واردات آنها ناچیز است و یا به طور کلی وارداتی انجام نمی‌گیرد، حداقل دسترسی به بازار در سطح ۳ درصد مصرف کشور تعیین می‌شود؛ این میزان در مدت ۶ سال به ۵ درصد خواهد رسید. هر چند اینگونه تأثیر حداقل دسترسی بر گشایش بازار را با توجه به اصل کامله الودا^۶ ناچیز می‌داند (Ingco, 1996) اما لازم است تا سطح حداقل دسترسی، قبل از تعرفه‌ای کردن مشخص شود، زیرا این مقدار بعد از تعرفه‌ای کردن به عنوان حداقل مقدار قابل قبول برای استفاده از مقررات حفاظتی^۷ مورد توجه قرار می‌گیرد.

شناسایی و تبیین موانع غیرتعرفه‌ای اعمال شده بر واردات محصولات کشاورزی در

ایران

والتر در تعریف گسترده هر اقدامی را که حجم و جهت تجارت را مختل کند مانع

-
- | | |
|---|--------------------|
| 1. Quantitative Restrictions | 2. Variable Levies |
| 3. Minimal Price | |
| 4. Non Tariff Measures Maintained Through State Trading Enterprises | |
| 5. Voluntary Export Restrictions | 6. Ingco |
| 7. Most-Favoured Nation | 8. Safeguard |

غیر تعرفه‌ای می‌نامد (Walter, 1972). این تعریف به قدری گسترده‌است که حتی تعرفه را نیز در برمی‌گیرد، زیرا تعرفه نیز حجم تجارت را مختل می‌سازد. بدون شک چنین تعریفی از موانع غیر تعرفه‌ای مورد نظر طرفهای مذاکره‌کننده در دوراروگوئه نبوده‌است. بالدوین در تعریف به نسبت دقیقتری توجه خود را به درآمد حقیقی معطوف می‌کند. او مانع غیر تعرفه‌ای را چنین تعریف می‌کند: "هر اقدامی که با تخصیص مجدد منابع و کالاها باعث کاهش درآمد حقیقی جهانی شود به منزله یک مانع غیر تعرفه‌ای تلقی می‌گردد." (Baldwin, 1970) اما می‌توان گفت که دقیقترین تعریف را در این زمینه هیلمن ارائه داده‌است؛ او هر اقدام دولتی را به جز تعرفه که مستقیماً مانع ورود کالا به یک کشور شود، یا به صورت تبعیض‌آمیز در مورد کالاهای وارداتی عمل کند، مانع غیر تعرفه‌ای تعریف می‌داند (Hillman, 1991).

تعریف هیلمن دو بخش به نسبت جدا دارد: بخش اول مربوط به سیاستهایی است که مانع ورود کالا به یک کشور می‌شود و تقریباً هراسناک با تعریف والتر است، با این تفاوت که هیلمن با تأکید بر دولتی بودن اقدامات غیر تعرفه‌ای دامنه شمول محدودتری را مورد توجه قرار می‌دهد. بخش دوم، عنصر جدیدی را برای شناسایی موانع غیر تعرفه‌ای معرفی می‌کند و آن رفتار تبعیض‌آمیز است. در این مطالعه براساس تعریف هیلمن، طی دوره زمانی ۱۳۶۵-۷۵ و پس از بررسی کلیه قوانین و مقررات مصوب و بخشنامه‌های ابلاغی در خصوص واردات محصولات کشاورزی، محدودیتهای غیر تعرفه‌ای اعمال شده بر واردات ۱۸ محصول کشور^۱ (که در قوانین صادرات و واردات کشور با یک یا چند مانع غیر تعرفه‌ای مواجه بوده‌اند) بررسی و در نتیجه دوازده محدودیت (مانع) مختلف شناسایی شده‌است. این موانع عبارتند از: تجارت دولتی، محدودیت کیفی، نوع بسته‌بندی، محدودیت بهداشتی، محدودیت مقداری، رفتار تبعیض‌آمیز، زمان ورود، واردات در مقابل صادرات، واردات منوط به خرید داخلی، محل ورود، تخصیص ارز با نرخهای متفاوت و بررسی قیمت.

۱. این محصولات عبارتند از: گندم، برنج، گوشت قرمز، پنیر، کره، چای، شکر تصفیه شده و تصفیه نشده، جو، ذرت، لپه، لوبیا، عدس، نخود، پیاز، سیب‌زمینی، زردچوبه و موز.

مقایسه این موانع با فهرست موانع غیر تعرفه‌ای ارائه شده در متن موافقتنامه نشان می‌دهد که دامنه شمول موانع مشخص شده در ایران به لحاظ تأکید بر تعریف هیلمن به مراتب گسترده‌تر است، به گونه‌ای که بسیاری از این محدودیتها از نظر مقررات دسترسی به بازار غیر مجاز نیستند. برای مثال محدودیت بهداشتی تحت شرایط کاملاً مشخص و شفاف، از نظر سازمان تجارت جهانی پذیرفتنی است. به علاوه برخی از این موانع به احتمال خاص کشور است. بنابراین، شناسایی آنها اهمیت ویژه‌ای دارد. از جمله این محدودیتها می‌توان به رفتار تبعیض آمیز، تخصیص ارز با نرخهای متفاوت و واردات منوط به خرید داخلی اشاره کرد.

نگاهی کلی به موانع غیر تعرفه‌ای اعمال شده در مورد محصولات منتخب نشان می‌دهد که مهمترین مانع غیر تعرفه‌ای اعمال شده در رژیم تجارت محصولات کشاورزی، محدودیت مقداری است که در مورد همه محصولات منتخب اعمال می‌شود، زیرا برای ورود محصولات می‌باید از چند وزارتخانه مجوز دریافت شود. در مقابل، برخی موانع مانند "واردات منوط به خرید داخلی" و "محل ورود" تنها در مورد یک محصول به کار گرفته شده و بدین ترتیب کاربرد کمتری نیز داشته‌است. بعد از محدودیت مقداری، فراوانی "محدودیت بهداشتی" و "رفتار تبعیض آمیز" بیشتر از سایر موانع است.

مروری بر مطالعات پیشین

هر چند در پیوست ضمیمه شماره ۵ موافقتنامه کشاورزی، اصول محاسبه معادل تعرفه‌ای و تفاوت بین قیمت داخلی و جهانی به عنوان معیار تضمین معادل تعرفه‌ای مشخص و تعریف شده‌است، اما گروه مذاکره کننده در خصوص دسترسی به بازار در ضمیمه شماره ۳ سند امضاء شده در آوریل ۱۹۹۳، روش محاسبه را با تفصیل بیشتری شرح داده و فرمول زیر را برای محاسبه معادل تعرفه‌ای ارائه کرده‌است:

$$T_s = P_d - (P_w \times e) \quad (1)$$

که در آن، T_p معادل تعرفه ویژه، P_d قیمت عمده فروشی محصول در داخل کشور واردکننده، P_w قیمت سیفا^۲ کشور واردکننده یا قیمت فوب^۳ کشور صادرکننده عمده به همراه هزینه حمل و نقل و بیمه و e نرخ ارز آزاد است.

سامنر در مقاله‌ای ضمن مروری بر مفاد موافقتنامه کشاورزی، به شیوه تعیین معادل تعرفه‌ای اشاره کرده و نوشته است: "... با این همه تعرفه‌ای کردن - حداقل در عمل - نه شفاف است و نه آسان، زیرا دسترسی به قیمت‌های داخلی و قیمت‌های مرجع خارجی وجود ندارد. کیفیت‌های متفاوت، شیوه‌های گوناگون طبقه‌بندی و دسته‌بندی کالا نیز این مشکل را مضاعف می‌سازد." او سپس فرمول زیر را برای معادل تعرفه‌ای ارائه می‌کند:

$$T_{ad} = [(P_d - P_w \times e) / (P_w \times e)] \times 100 \quad (2)$$

که در آن: T_{ad} معادل تعرفه ارزشی^۴؛ P_d قیمت عمده فروشی محصول در کشور؛ P_w قیمت سیفا و ارداتی و e نرخ ارز آزاد است (Summer, 1992).

این‌گکو با دقت زیادی شیوه تعرفه‌ای کردن در دوراروگوئه را مورد بررسی قرار داده و برای محاسبه عملی معادل تعرفه‌ای تلاش می‌کند تا مشکلات مورد اشاره را به روش منطقی حل کند. او ضمن تأیید فرمول‌گات و سامنر برای حل مشکل کیفیت‌های متفاوت، پیشنهاد می‌کند که به جای تفاوت قیمت محصول داخلی و خارجی می‌توان از تفاوت قیمت محصول وارداتی در کشور و قیمت سیاهه فروش^۵ آن استفاده کرد (Ingco, 1996). با این حال در محاسبه معادل تعرفه‌ای برخی از محصولات کشاورزی در ۱۱ کشور صنعتی و ۱۰ کشور در حال توسعه حتی‌ال‌غایر به دلیل دسترسی نداشتن به قیمت عمده فروشی داخلی مجبور به استفاده از قیمت تولیدکننده شده است.

صندوق بین‌المللی پول^۶ همچون ییتس^۷ (۱۹۷۶) به تفاوت محاسبه معادل تعرفه‌ای براساس

1. Specific Tariff
2. Cost, Insurance and Freight (C.I.F.) قیمت کالا به اضافه هزینه بیمه و حمل
3. Free on Board (F.O.B.) تحویل روی کشتی در نقطه بارگیری
4. Ad Valorem Tariff
5. Invoice Price
6. International Monetary Fund (I.M.F)
7. Yeats

تعرفه ویژه و تعرفه ارزشی توجه کرده است. از آنجا که ارزش هر واحد کالای صادراتی کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه یافته کمتر است، تعرفه ویژه آن بیشتر از تعرفه ارزشی خواهد بود. این امر خود می تواند مفری برای استفاده از شیوه تعرفه ای محیلانه باشد (I.M.F., 1996).

در این مطالعه برای محاسبه معادل تعرفه ای، با توجه به ساختار سیستم تعرفه در ایران، از تعرفه ارزشی استفاده شده است.

برای مثال اگر در سال ۱۳۷۴ قیمت عمده فروشی یک کیلوگرم گوشت قرمز و قیمت سیف وارداتی آن را به ترتیب ۸۸۲۰/۹ ریال و ۱/۵ دلار فرض کنیم، با احتساب نرخ ارز در بازار آزاد در همین سال (۴۰۵۰ ریال)، معادل تعرفه ای گوشت قرمز چنین محاسبه خواهد شد:

$$T = [(8820/9 - (1/5) \times 4050) / (1/5 \times 4050)] \times 100 = 45/2$$

ولی اگر همین معادل تعرفه ای براساس نرخ ارز رسمی (در سال ۱۳۷۴ برابر ۱۷۵۰ ریال) محاسبه شود، به دلیل ارزانتر بودن محصول وارداتی، به ۲۳۶ درصد افزایش می یابد.

محاسبه معادل تعرفه ای

در این مطالعه ۲۷ محصول عمده وارداتی کشوراً در سطح تعرفه چهار رقی سیستم هماهنگ^۳ انتخاب و معادل تعرفه ای آنها براساس فرمول ۲ محاسبه و بررسی شد. به منظور مطالعه دقیقتر تغییرات سیاستهای وارداتی کشور و تأثیر شکاف نرخ ارز آزاد و رسمی معادل تعرفه ای در دوره دهساله (۱۳۶۵-۷۴) بررسی شد. محاسبه معادل تعرفه ای محصولات منتخب کشاورزی و

1. Dirty Tariffication

۲. این محصولات عبارتند از: گندم، برنج، گوشت قرمز، روغن نباتی، پنیر، کره، شکر، جو، ذرت، لوبیا قرمز، نخود، پیاز، سیب زمینی، گوجه فرنگی، تخم مرغ، پنبه، عسل، موز، خرما، کشمش، گلایی، سیب قرمز، سیب لبنان و پرتقال.

3. Digit Harmonized System

۴. انتخاب تعداد محصولات با توجه به میزان دسترسی به اطلاعات مورد نیاز در زمینه قیمت های جهانی صورت گرفته است.

مقایسه آن با محدودیت تعرفه‌ای اعمال شده در مورد این محصولات نشان می‌دهد که اولاً معادل تعرفه‌ای اکثریت قریب به اتفاق محصولات کشاورزی منفی بوده‌است که این امر خود حاکی از حمایت نکردن نظام تجاری کشور از بخش کشاورزی است. به گونه‌ای که حتی مالیات پنهانی نیز به این بخش تحمیل شده‌است. ثانیاً علیرغم تعدد موانع غیر تعرفه‌ای، استفاده مؤثری نیز از آنها صورت نگرفته‌است. معادل تعرفه‌ای براساس نرخ ارز آزاد برای کلیه محصولات (به غیر از موز) و در اغلب سالها منفی بوده‌است. دلیل این امر عمدتاً بالا بودن نرخ ارز است که باعث می‌شود قیمت داخلی کمتر از قیمت وارداتی شود. اما براساس نرخ ارز رسمی (به علت ارزشگذاری بیش از حد ریال)، معادل تعرفه‌ای در اغلب سالها و برای اکثریت محصولات مثبت بوده‌است. حال اگر معادل تعرفه‌ای براساس نرخ ارز آزاد محاسبه شود (چنانکه مورد نظر موافقتنامه کشاورزی نیز هست)، در اغلب سالها واردات کالا بدون وجود هیچ گونه مانعی صورت می‌گیرد و حتی از واردات به نحوی حمایت می‌شود. این در حالی است که در بیشتر کشورهای توسعه یافته حمایت مرزی شدید و کاملاً مشخصی از محصولات کشاورزی انجام می‌گیرد.

مطلب پیشگفته نتایج شیف و والدز را تأیید می‌کند (Schiff & Valdes, 1992) و نشان می‌دهد که حمایت مرزی از محصولات کشاورزی در ایران دست کم به طور خالص، منفی بوده‌است. لذا می‌توان گفت که موانع غیر تعرفه‌ای تعریف شده به جای حمایت از تولید داخلی، تنها مصرف بروکرایتک داشته‌است.

جدول شماره ۱، مقایسه معادل تعرفه‌ای کشورها را برای چند محصول در سال ۱۹۹۵

نشان می‌دهد.

همان طور که جدول شماره ۱ نشان می‌دهد، در هیچ یک از کشورهای مورد اشاره، به جز ایران، معادل تعرفه‌ای منفی وجود ندارد. این امر بدان معناست که دیگر کشورها علاوه بر حمایت داخلی، به کمک انواع روشهای مرزی نیز از محصولات کشاورزی خود حمایت می‌کنند. بی‌گمان ارتباط مستقیمی بین حمایت بسیار شدید رایج در اتحادیه اروپا و محصول مازاد بر مصرف موجود در آن کشورها وجود دارد؛ ولی ایران نه تنها فاقد حمایت مرزی از محصولات کشاورزی

است، بلکه در مجموع نیز مالیات غیر مستقیمی از این محصولات دریافت می شود.

جدول شماره ۱. معادل تعرفه‌ای چند محصول در چند کشور در سال ۱۹۹۵

(واحد: درصد)

| شرح | گندم | برنج | شکر | گوشت قرمز | لبنیات |
|---------------|-------|---------------|-------|-----------|----------------------|
| کانادا | ۵۷/۷ | ۰/۹ | ۲۴/۷ | ۳۸ | ۲۸۸/۴ |
| ژاپن | ۲۳۹/۶ | ۵۰۰ (۱۹۸۶-۸۸) | ۱۲۶/۱ | ۳۸/۵ | ۴۸۹/۴ |
| ایالات متحد | ۶ | ۵ | ۱۹۷/۰ | ۳۱ | ۱۴۴ |
| اتحادیه اروپا | ۱۵۵/۶ | ۳۶۰/۵ | ۲۹۷/۰ | ۱۲۵/۴ | ۲۸۸/۵ |
| ترکیه | ۲۰۰ | ۵۰ | ۱۵۰ | ۲۵۰ | ۲۰۰ |
| تایلند | ۴ | ۵۸ | ۱۰۴ | ۶۰ | ۶۳ |
| اندونزی | ۳۰ | ۱۸۰ | ۱۱۰ | ۷۰ | ۱۵۴ |
| مکزیک | ۷۴ | ۶/۸ | ۱۷۳ | ۵۰ | ۷۵ |
| کره جنوبی | ۱۰/۹ | ۲۱۳/۸ | ۲۳/۷ | ۴۴/۵ | ۲۲۰ |
| ایران (۱۳۷۴) | -۹۴/۱ | ۱۶/۹ | -۶۲/۵ | ۴۵/۲ | ۶۸/۵ پنییر، ۸۶/۷ کره |

مأخذ: در مورد همه کشورهای غیر از ایران مطالعه اینکگو (۱۹۹۶) و در مورد ایران یافته‌های تحقیق

جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این مقاله با فرض استقلال حوزه‌های سه گانه موافقتنامه کشاورزی سازمان جهانی تجارت، موانع غیر تعرفه‌ای به کار رفته در رژیم واردات محصولات کشاورزی منتخب کشور شناسایی شد و معادل تعرفه‌ای مربوط براساس روشمندی مورد اشاره در متن موافقتنامه محاسبه گردید. مهمترین یافته‌های تحقیق مؤید آن است که در دوره مورد مطالعه، انحصار دولت در امر بازرگانی خارجی کالاها (که در اصل چهل و چهارم قانون اساسی مورد تأیید قرار گرفته است) به عنوان یکی از مهمترین موانع غیرتعرفه‌ای اعمال شده بر واردات محصولات منتخب به شمار می‌رود، زیرا برای ورود هر محصول باید از چند وزارتخانه مجوز دریافت کرد. علاوه بر آن می‌توان به موانع دیگری همچون واردات منوط به خرید داخلی، محل ورود، محدودیت بهداشتی

و... اشاره کرد که به طور مشخص در مورد محصولات منتخب شناسایی شده است.

آنچه مطالعه حاضر نشان می‌دهد، سهم و اهمیت بسیار زیاد موانع غیر تعرفه‌ای نسبت به موانع تعرفه‌ای در تجارت محصولات کشاورزی کشور است. حال آن که کشورهای توسعه یافته وارد کننده محصولات کشاورزی ایران در اکثریت قریب به اتفاق موارد از موانع تعرفه‌ای استفاده می‌کنند و کاربرد موانع غیر تعرفه‌ای در این کشورها بسیار نادر است. از دیگر نکات درخور توجه می‌توان به ثبات قوانین وضع شده در این کشورها اشاره کرد؛ بدین ترتیب که تا چند سال آینده نرخ تعرفه خود را اعلام می‌کنند، لذا صادرکنندگان باید با آگاهی و اطمینان کامل از مقررات تجاری نسبت به صادرات محصولات خود اقدام کنند. از این رو براساس موافقتنامه و نیز به منظور شفاف کردن رژیم تجاری کشور لازم است اولاً، نسبت به شناسایی، حذف و جایگزینی موانع غیر تعرفه‌ای با معادلهای تعرفه‌ای اقدام مقتضی صورت پذیرد (که البته این امر در قانون به نام سهم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور مورد توجه قرار گرفته است)، ثانیاً نرخهای اعلام شده از ثبات لازم برخوردار شود.

محاسبه معادل تعرفه‌ای محصولات منتخب و مقایسه آن با محدودیت تعرفه‌ای اعمال شده نشان می‌دهد که اولاً، معادل تعرفه‌ای بیشتر محصولات منفی است که این امر خود حاکی از عدم حمایت نظام تجاری کشور از بخش کشاورزی است، به طوری که حتی مالیات پنهانی نیز بر بخش اعمال شده است، ثانیاً، با توجه به تعدد موانع غیر تعرفه‌ای، استفاده مؤثری نیز از آنها صورت نگرفته است. ثالثاً، از آنجا که نرخ ارز نقش مهمی در حمایت یا عدم حمایت دارد، لازم است برای ایجاد رژیم حمایتی مناسب، نظام تک‌نرخ ارز ایجاد و از ثبات کافی برخوردار شود. بنابراین با توجه به مطالب فوق و در صورت عضو شدن در سازمان جهانی تجارت قاعدتاً نباید مشکل خاصی از جهت هجوم واردات وجود داشته باشد، بلکه لازم است به منظور بهره‌گیری هرچه بیشتر از فرآیند مذاکرات، نسبت به تهیه و تنظیم برنامه تعرفه‌ای به گونه‌ای که ضامن منافع کشور و در جهت حمایت از تولید داخلی باشد، اقدام مقتضی صورت گیرد.

منابع

۱. راهنمای تجاری دوراروگوئه، موافقتنامه راجع به کشاورزی (۱۳۷۵)، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
۲. کمیجانی، اکبر و همکاران (۱۳۷۴)، تحلیل پیرامون تجارت: تجربه عملی پیوستن برخی از کشورها به سازمان تجارت جهانی و آثار الحاق ایران به آن، معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.
۳. کمیجانی، اکبر و همکاران (۱۳۸۰)، مقررات دسترسی به بازار محصولات کشاورزی در موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت و اثرات آن بر اقتصاد کشاورزی ایران، مؤسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، چاپ اول.
۴. مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، مجموعه قوانین و مقررات صادرات و واردات، سالهای مختلف.
۵. نجفی، بهاء‌الدین (۱۳۷۲)، سیاست بازرگانی و قیمتگذاری محصولات کشاورزی در کشورهای در حال توسعه و ایران - عملکرد و گرایش جدید، دومین سمپوزیم سیاست کشاورزی ایران، دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز.
۶. نجفی، بهاء‌الدین (۱۳۷۵)، سازمان بازرگانی جهانی، چالشی نو برای اقتصاد کشاورزی ایران، فصلنامه اقتصادی کشاورزی و توسعه، سال چهارم، شماره ۱۳.
7. Anania, G.(1997), Policy choice and independence of country decisions in the implementation of the GATT agreement on agriculture, *Review of Agricultural Economics*, Vol. 24.
8. Baldwin,R.E.(1970), Nontariff distortions of international trade, Washington, The Brookings Institution.
9. Chambers, R.G. and D.H.Pick (1994), Marketing orders as nontariff trade barriers, *American Journal of Agricultural Economics*, Vol. 76.
10. GATT (1993), Modalities for the establishment of specific binding under

the reform program.

11. Hillman, J.S. (1991), Technical barriers to agricultural trade, westview press.
12. I.M.F. (1996), Indicators of tariff and nontariff barriers.
13. Ingco, M.D. (1996), Tariffication in the Uruguay Round: How much liberalization? *World Economy*, Vol 19, No.
14. Schiff, M. & A. Valdes (1992), A syntehe-sis of economics in developing countries, the political economy of Agricultural pricing policy, Vol.4, Baltimore, Md.usa, Johns Hopkins University press.
15. Sumner, D.A. (1992), The economic underpinings of Uruguay Round proposals, improving agricultural trade performance under the GATT (Wissenschafts verlag vauk kiel KG).
16. Walter, I. (1992), Nontariff protection among industiral countries: Some preliminary empirical evidence, *Economia Internazionale*, Vol, 25, pp: 54-335.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی